



در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم

شامل مانتو، شلوار ، مقنعه و انواع شومیز

سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴ - میر مجیدی



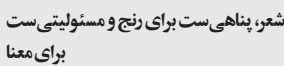
خلیج گرگان؛ گوهر فراموش شده
شمال ایران



ذخیره‌سازی خون بند ناف، بیمه سلامتی
برای آینده



شعر، ستاره‌ای است که در آسمان شب
دنبالش می‌گشتم



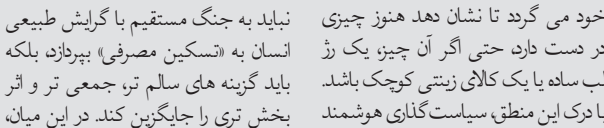
■ آزادہ حسینی

از دوران انبوه صداهای موزون در ابتدای تاریخ ارتباط تا کنون وظیفه اصلی و رهنمودی زبان، بیان اطلاعات واقعی و یا دادن دستورهای ضروری است. امروزه زبان در راستای سازمان اجتماعی پیچیده تر، همواره تکامل می یابد. افزون بر وظیفه اطلاع رسانی و بیانی، زبان برای شکل دادن احساسات و عواطف یعنی «بیان حالت» نیز به کار می رود. اما این کاربرد به اندازه جنبه اطلاع رسانی، پرورش و تکامل نیافته است. زیرا برای ابراز عواطف، آواها، لبخند، جمیع، اشک، گریه، لمس و نوازش، بوسه و ژست های مختلف به کار می روند که در این صورت زبان تنها برای تفسیر برخی علائم به کار می آید. به بهانه بیستم مهر، روز بزرگداشت حافظ از پنجره زبان و فرهنگ ببینیم: چگونه «حافظ خوانی» به عنوان لذتی در ادبیات به کمک برقراری روابط عاطفی در حوزه کاربردی زبان می آید. نگاهی بیاندازیم به «احوالپرسی» و گفتار خودمانی و روزمره:

گفتار کلیشه سلام و احوالپرسی، کلید برقراری روابط اجتماعی است، «گفتار عاطفی» که به شکل های مختلف در رفتار مهرآمیز حیوانات نیز به طور متداول مشاهده می شود. حافظ که بخوانیم بعد از مدتی جای کلیشه سلام می گوئیم: «سلامی چو بوی خوش آشنایی» و یا اگر مخاطب کمی صمیمی تر باشد مصراع ادامه می یابد که: «بدان مردم دیده را روشنایی»، «خوشحال شدم از دیدنت: مرا می بینی و هر دم زیادت می کنی دردم/ تو را می بینم و میلم زیادت می شود هر دم؟» «مدتی پیداتون نیست؟ یادی از ما نمیکنی: به سامانم نمی پرسی؟» عبارت «مواظب خودت باش»، «مادرانه، پدرانه و مهربانانه، می شود: «یارب این نوگل خندان که سپردی به من/ می سپارم به تو از دست حسود چمنش؟» «مدتی است از دوست یا همکاری بی خبریم و سراغی از ما نمی گیرد...

ادامه در صفحه ۲

نسخه ای برای قاب آوری

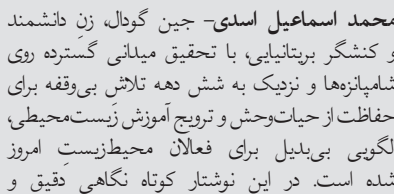


فرزاد نجفی - «اثر رُژ لب» یک تعبیر کوتاه اما معنادار در علم اقتصاد رفتاری است. وقتی منابع مالی خانوارها فشرده می شود و خریدهای بزرگ و سرمایه ای ناممکن می گردد، مصرف کنندگان نیاز نمادین خود برای احساس بهتر را به صورت خریدهای کوچک و قابل تحمل مانند لوازم آرایشی کم هزینه ادامه می دهند. این پدیده نه صرفاً یک کنج کاوی بازار، که آینه ای از نیاز روانی انسان در برابر محرومیت های اقتصادی است؛ نیازی به بازتأیید خود، تسکین اضطراب و حفظ کرامت نمادین در زندگی روزمره. آنچه واقعاً در پس این پدیده نهفته است، یک واکنش روانی است: فرد نمی خواهد احساس محرومیت مطلق کند؛ او دنبال نکته ای کوچک برای

ستایش‌آمیز داریم به زندگی، دستاوردها و درس‌هایی که گودال برای نسل‌های آینده به جا گذاشته است. جین گودال (Jane Goodall) بیش از شصت سال است که نامش با حفاظت طبیعت و پژوهش واقعی میدانی هم‌معنی شده است. او که در ۳ آوریل ۱۹۳۴ در بریتانیا متولد شد، مسیر زندگی‌اش را از کنج‌کاوی کودکانه درباره حیوانات آغاز کرد و آن کنج‌کاوی را به یک پژوهشی تحقیقاتی تاریخی تبدیل کرد که نه فقط افق‌های علم رفتاری حیوانات را گشود بلکه افکار عمومی را نسبت به جایگاه انسان در طبیعت به چالش کشید.

ورود او به گومبه در کشور تانزانیا واقع در شرق قاره آفریقا و کشف های بنیادین

جین در آغاز دهه ی ۱۹۶۰ وارد پارک ملی گومبه شد و



ادامه در صفحه ۲

ادامه یادداشت اول

نسیم صبح سعادت
بدان نشان که تو دانی

«دیربست که دلدار پیامی نفرستاد»؛ ناخوشی ها و غصه ها تمام می شود و اوضاع به همین روال نمی ماند: «رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند/ چنان نماند چنین نیز هم نخواهد ماند»؛ برای بیان ارادت بسیار و احترام و اشتیاق، حافظانه می گوئیم: «وای حد تقریر است، شرح آرزومندی» یا «حسنست به اتفاق ملاحت جهان گرفت/ آری به اتفاق جهان می توان گرفت». هر جا که باید دل به دریا بزنیم و توکل کنیم، بگوئیم: «دیده دریا کنم و صبر به صحرا فکنم/ واندربین کار دل خویش به دریا فکنم». برای آرزوی سلامتی دوستان و همکاران می توانیم از قول حافظ بگوئیم: «تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد/ وجود نازکت آزرده گزند مباد!» یا «سلامت همه آفاق در سلامت توست»؛ اما چگونه با حافظ آشتی کنیم؟ در همه خانه ها کتاب حافظ هست که شاید به نیت فالی سالی به سالی در شب یلدا یا به مناسبتی گشوده می شود و اهل ذوقی چند خطی بخواند. ولی این اهل ذوق گرامی یا بزرگسال است یا دانشجوی رشته ادبیات که متاسفانه گاهی می بینیم حتی دانشجوی ادبیات نیز از عهده خواندن برخی ابیات برنمی آید، به این بهانه که بیشتر به شکل تخصصی ادبیات می خوانند و «روان خوانی» در حیطه برنامه های درسی مقطع دانشگاه نیست. با نگاهی دیگر «طرحی نو در اندازیم» از دیدگاه زبان شناسی، زبان مجموعه واژگان و قواعد دستوری است. زبان بعنوان شالوده حوزه های معنا شناختی، بر درجه صمیمت اجتماعی دلالت می کند. زبان فرهنگ را می سازد. مجموعه ای سرشار از معانی است و بخشی از تجربه های اجتماعی ما را ساماندهی کرده و نظم می بخشد. می توانیم با خواندن حافظ، به زبان و زندگی خود نظمی عاطفی ببخشیم. و اصطلاحاً با فرهنگ تر رفتار کنیم.

ادامه تیتراول

مطالعات جدید در روان شناسی مصرف نشان داده اند که تجربه ای جمعی و طبیعی، اثر ماندگارتری بر رفاه روانی دارند تا خریدهای نمادین. بنابراین، همانطور که در دوران رکود، فروش لوازم آرایشی یا اقلام کوچک افزایش می یابد، می توان انتظار داشت تمایل به سفرهای کوتاه، بازدید از فضاهای طبیعی و مشارکت در رویدادهای فرهنگی نیز افزایش یابد. در واقع، گردشگری در شرایط فشار اقتصادی، «نسخه ی روانی سالم تر اقتصاد رژ لبی» است. استان گلستان، به واسطه تنوع زیست محیطی و ترکیب جغرافیایی منحصر به فرد خود می تواند الگوی عملی برای چنین جایگزینی باشد. پارک ملی گلستان با وسعت چشمگیر و مجموعه ای از گونه های گیاهی و جانوری غنی که این منطقه را در زمره ذخیره گاه های زیستی مهم کشور قرار داده است، نمونه ای از ظرفیت طبیعت بکر ایرانی برای پذیرش گردشگری هدفمند است. همزمان، وجود سواحل خزر در بخش هایی از استان، جلگه ها، جنگل ها و اقلیم های متنوع پیرامون شهرها، امکان طراحی بسته های کوتاه مدت و ارزان قیمت تجربه محور (پیاده روی طبیعت، کارگاه های کوتاه مراقبه و یوگا، بازدید از بوم گردی های محلی و بازارچه های صنایع دستی) را فراهم می آورد؛ بسته هایی که بار روانی فشارهای اقتصادی را کاهش دهند، بدون آنکه فشار مالی بزرگی بر خانوار وارد کنند. در این میان، نباید فراموش کرد که گردشگری تنها «جا به جایی فیزیکی» نیست، بلکه «تغییر وضعیت روانی» است. انسان در سفر، از دایره ی بسته ی اضطراب روزمره خارج می شود و در تماس با طبیعت، نوعی بازتنظیم هیجانی و شناختی را تجربه می کند. پژوهش های متعددی در حوزه

ادامه تیتراول دوم

این حیوانات نیز دارای پیوندهای اجتماعی پیچیده، بازی، یادگیری اجتماعی و حتی رفتارهای نوآورانه اند.

تبدیل پژوهش به حرکت جهانی

اما نقش جین گودال فراتر از پژوهش بود. او به سرعت دریافت که علم تنها برای شناخت کافی نیست؛ باید این دانش به عمل حفاظت و آموزش تبدیل شود. در سال های بعدی، گودال مؤسسه ی جین گودال را بنیان نهاد تا برنامه های تحقیقاتی، حفاظتی و آموزشی را در آفریقا و سراسر جهان پیش ببرد. او همچنین برنامه ی «ریشه ها و جوانه ها» (Roots & Shoots) را پایه گذاری کرد؛ ابتکاری که جوانان را در بیش از صد کشور به اجرا کردن پروژه های محلی برای حفاظت از محیط زیست، حفاظت از حیوانات و خدمت به جوامع تشویق می کند. پیام گودال همواره روشن و انسانی بوده است: حفاظت از طبیعت با احترام به مردم و جوامع محلی گره خورده است. او از همان آغاز بر اهمیت راه حل های مبتنی بر جامعه، آموزش، توانمندسازی زنان و مقابله با فقر به عنوان بخش های جدایی ناپذیر هر برنامه ی حفاظتی تأکید کرد. صدای اخلاقی در برابر بحران های زیستی جین گودال نه تنها پژوهشگر که سفیر اخلاق زیست محیطی نیز هست. او سال ها با صدای رسا درباره ی نابودی زیستگاه ها، شکار غیرقانونی، تجارت حیوانات و اثرات منفی الگوی مصرفی بشر هشدار داده است. در کنار فعالیت های علمی و آموزشی، گودال به عنوان یک سخنران و نویسنده ی محبوب نیز شهرت دارد و ده ها کتاب و مقاله در دسترس نسل های گسترده ای از خوانندگان قرار

«گردشگری سلامت محور» نشان داده اند که حتی سفرهای کوتاه درون استانی می تواند سطوح اضطراب و افسردگی را به شکل معناداری کاهش دهد. از همین منظر، بوم گردی و سفر به مناطق طبیعی استان گلستان می تواند به مثابه سیاستی عمومی برای تقویت سلامت روان جامعه عمل کند. تفاوت راهبردی ای که باید مورد توجه سیاست گذار قرار گیرد در فهم ماهیت «جایگزینی روانی» است. همان طور که خریدهای کوچک لوکس، نوعی پاسخ ذهنی به استرس مالی اند، می توان با هدایت این نیاز در مسیر تجربه های جمعی، هم احساس رضایت را حفظ کرد و هم کارکرد اجتماعی ایجاد نمود. گردشگری سلامت محور و بوم گردی محلی، می توانند «جایگزین نمادین» برای خریدهای کوچک مصرفی باشند: به جای اینکه خانواده ای برای تسکین کوتاه مدت اضطراب اقتصادی، پولی را صرف کالای زینتی وارداتی کند که ارزش بلندمدت روانی یا اجتماعی آن اندک است، همان مبلغ می تواند صرف تجربه ای جمعی، یک روز در دل جنگل، یک شب در اقامتگاه بوم گردی با اجرای موسیقی محلی یا یک کارگاه هنر بومی شود؛ تجربه ای که هم خاطره ای پایدار می سازد، هم حس تعلق را تقویت می کند و هم به اقتصاد محلی سود می رساند. این تغییر از «مصرف نمادین» به «تجربه معنامحور»، نقطه ی کانونی تحول فرهنگی در دوران رکود اقتصادی است. وقتی جامعه از فشار تورمی فرسوده می شود، حفظ پیوند اجتماعی و امید جمعی مهمتر از هر شاخص اقتصادی است. در واقع، توسعه گردشگری در این چارچوب نه صرفاً به عنوان یک سیاست اقتصادی، بلکه به مثابه درمان جمعی جامعه خسته از تورم مطرح است. برای تحقق چنین رویکردی، سیاست گذاری باید دقیق و چندوجهی باشد: تسهیل مقرراتی و مالی برای فعالان بوم گردی، سرمایه گذاری هدفمند در زیرساخت های کم هزینه

داده است. چراغ امید برای نسل های آینده یکی از مهم ترین میراث های گودال، سرمایه گذاری او بر آموزش نسل جوان است. برنامه های او که مستقیم روی مدارس و گروه های جوانی تمرکز دارند، نشان می دهد که تغییر بلندمدت تنها از طریق شکل دهی نگرش ها و ایجاد حس مسئولیت فردی و جمعی ممکن می شود. در جوامع محلی تاسطح بین المللی،



میلیون ها جوان با پروژه ها و فعالیت های ریشه ها و جوانه ها انگیزه یافته اند تا به اقدام های ملموس محیط زیستی بپردازند.

چه می توانیم از جین گودال بیاموزیم؟

- کنجکاوی علمی را با فروتنی و احترام به دیگران و دیگر گونه ها ترکیب کنیم.
- حفاظت طبیعت را به عنوان مسئله ای که نیازمند مشارکت جوامع انسانیست بپذیریم.
- به جوانان فرصت و ابزار بدهیم تا در سطح محلی

راه های دسترسی ایمن، سرویس های بهداشتی و اطلاع رسانی محیطی)، آموزش میزبانان محلی، و ایجاد بسته های حمایتی دولت-خصوصی برای کاهش هزینه سفرهای کوتاه مدت اقشار آسیب پذیر. افزون بر این، باید نظامی برای صیانت از منابع طبیعی تدوین شود تا رونق گردشگری به هزینه تخریب محیط زیست تمام نشود؛ تجربه گلستان نشان داده است که حفاظت هم زمان زیستگاه ها و توسعه گردشگری، شرط دوام منافع اجتماعی و اقتصادی است. در سطح نمادین و فرهنگی نیز، لازم است گفتمان عمومی از «تسکین مصرفی فردی» به «تجربه محوری جمعی» منتقل شود. رسانه ها، نهادهای فرهنگی و آموزشی باید نقش فعالی در این دگرگونی ایفا کنند. اگر برنامه های فرهنگی و گردشگری استان هایی مانند گلستان بتوانند تجربه های طبیعی و بومی را ارزان، امن و کیفی عرضه کنند، احتمال آنکه خانواده ها بخشی از بودجه مصرفی خود را از کالاهای نمادین سطحی به تجربه های معنادار و بومی منتقل کنند، به طور قابل توجهی افزایش می یابد. این همان نقطه ای است که «اقتصاد رژ لب» می تواند به «اقتصاد تجربه» تبدیل شود؛ یعنی از واکنشی فردی در برابر محرومیت، به فرصتی جمعی برای تاب آوری. نتیجه گیری نهایی ساده اما راهبردی است: وقتی خریدهای بزرگ ناممکن می شود، نباید اجازه دهیم روان جمعی از کم هزینه ترین لذت ها تغذیه ناهماهنگ بازار وارداتی شود. با طراحی سیاست هایی که تجربه، طبیعت و هویت محلی را جایگزین مصرف نمادین صرف کنند، می توان هم بار روانی جامعه را کاهش داد، هم اشتغال محلی ایجاد کرد و هم سرمایه محیط زیستی را حفظ نمود. گلستان، با تنوع زیستی و فرهنگی اش، می تواند نمونه ای عملی برای این گذار هوشمندانه باشد؛ گذار از مصرف گرایی انفعالی به تجربه محوری آگاهانه، از اضطراب به آرامش، و از رکود به تاب آوری اجتماعی.

اثرگذار شوند.

- نگذاریم فاجعه های محیط زیستی ما را از حرکت بازدارند؛ کوچک ترین اقدام محلی می تواند نقطه آغازی برای تغییری بزرگ باشد.

پیشنهادهایی برای جامعه ی ما (گلستان)

جین گودال پیام هایی دارد که برای ما در گلشن مهر نیز راهگشا است: اجرا کردن برنامه های آموزشی در مهدکودکها و مدارس محلی درباره ی حفاظت از جنگل های کهن هیرکانی و تنوع زیستی، برگزاری نمایش فیلم ها و مستندهای مرتبط با مطالعات میدانی او، و تشویق جوانان به تشکیل گروه های محلی «ریشه ها و جوانه ها» که می تواند به پروژه های حفاظت از پارک جنگلی هیرکانی، الگودره و دیگر زیستگاه های محلی انرژی تازه ای ببخشد.

نتیجه گیری: ستایشی در مقابل وظیفه ای

ادامه دار

جین گودال، با زندگی ساده اما مصمم اش، به ما آموخت که دانش باید با اخلاق و عمل پیوند بخورد. او نشان داد که عشق به طبیعت، وقتی با کوشش آگاهانه و همدلی همراه شود، می تواند به نیرویی تبدیل شود که مرزهای فرهنگی و جغرافیایی را می پیماید. امروز ستایش از این بانوی بزرگ جهان، تنها یادآوری یک کارنامه ی درخشان نیست؛ بلکه یادآوری مسئولیتی است که هر یک از ما در برابر زمین و نسل های آینده داریم. برای علاقه مندان، خواندن کتاب های جین گودال و تماشای مستندهای مربوط به تحقیقات گومیه و برنامه های ریشه ها و جوانه ها توصیه می شود. همچنین می توان در شماره های آینده ی روزنامه گزارشی از فعالیت های محلی «ریشه ها و جوانه ها» در گلشن مهر تهیه کرد تا الهام بخش جوانان شهر باشد.

پژوهشگر ارشد آب و خاک و فعال محیط زیست

کروکدیل تنها

کوچ ناخواسته مرغ ها

از سالها قبل شنیده ام و شنیده اید که گلستان دومین استان تولید کننده گوشت سفید در کشور است و قریب به هزار مرغداری در استان فعالیت دارند و اصلی ترین عرضه کننده مرغ به استان تهران، گلستان است. در استانی با این همه ویژگی های خرد و کلان در عرصه گوشت سفید و مرغ، انتظار است که توجهی ویژه تر به مردم جهت تامین مایحتاج خود در این حوزه شود. پس از آنکه قیمت مرغ به شکل فزاینده ای طی روزهای اخیر سر به فلک کشید و به رقم ۱۴۰ هزار تومان نیز رسید، مسئولین گرمی با ترفندهای مدیریتی ویژه ای قیمت مرغ را به ۱۱۹ هزار تومان رساندند و شوق و شغف را به مردم عزیز هدیه کردند اما از فردای این تعدیل قیمت، دست های پیدا و پنهان وارد عمل شدند و ناگاه مرغ از بازار استان تولید کننده مرغ پر کشید. البته این پر کشیدگی کامل نبود. تعدادی از مرغ ها صبح ها به مغازه ها سر می زنند و حوالی ساعات ظهر کوچ آنها آغاز می شد و این روند در روزهای متوالی تکرار می شد. در این میان برخی از مرغ فروشان علاجی برای جلوگیری از کوچ ناخواسته مرغان کردند و با باج دهی به مرغ ها آنها را تا غروب و حتی شب نیز نگاه می داشتند. این عزیزان رؤف و خوش قلب مرغ را نه کیلویی ۱۱۹ هزار تومان و نه حتی کیلویی ۱۴۰ هزار تومان که به قیمت ۱۵۰ هزار تومان می فروختند! خب با چنین شرایطی نه تنها مرغ بلکه هر حیوان دیگری نیز پابند این محبت می شد. در سوی دیگر اما مسئولین مربوطه همچنان در حال مصاحبه های پر محتوا با عبارات زیر هستند:

مشکل بازار مرغ کاملاً مرتفع شد!

خوشبختانه بازار مرغ به تعادل رسید!

شهروندان محترم استان برای تهیه مرغ نگران نباشند!

نظارت مستمر بر بازار تولید و توزیع مرغ صورت می گیرد!

کمیاب شدن مرغ در بازار استان بُعد روانی دارد!

با دلالتان بازار مرغ برخورد قاطع صورت می گیرد!

و صدها جمله از این دست که البته هرگاه کالایی در بازار کم می شود و کاملاً مشهود است که بخش خصوصی می خواهد قدرت خود را به بخش دولتی نشان دهد، میزان آن افزایش می یابد و حالا در موارد مشابه تنها به جای کلمه مرغ کلمه کالای کمیاب شده را بگذارید و جمله را دوباره بخوانید. از تمام این حرفها بگذریم در دومین استان تولید کننده مرغ کشور، مرغ کمیاب شده است، واقعا مرغ های که تا چند روز پیش در بازار قدم می زدند و کسی آنها را نگاه نمی کرد در حال حاضر کجا بسر می برند؟ مدیران محترم، ما با مرغ ۱۴۰ تومانی ارتباط برقرار کرده بودیم اما حقیقتاً مرغ پروازی ۱۱۹ هزار تومانی را نه تنها درک نمی کنیم بلکه تهیه آن نیز برایمان مقدور نیست. از طلا گشتن پشیمان گشته ایم ...



گرگان نیز باید در حافظه جمعی ما جای بگیرد؛ نه فقط به عنوان یک خلیج، بلکه به عنوان نماد فراموشی، و امیدی برای بازگشت. با توجه به اهمیت زیست محیطی، اقتصادی و فرهنگی خلیج گرگان، پیشنهاد می شود روز ۳۰ شهریور به عنوان «روز خلیج گرگان» در تقویم محلی استان گلستان ثبت شود.

دلایل انتخاب ۳۰ شهریور

۱- اوج هشدارهای زیست محیطی: در سالهای اخیر، به ویژه در هفته پایانی شهریور، گزارش های متعددی از سوی رسانه ها و فعالان محیط زیست درباره وضعیت بحرانی خلیج گرگان منتشر شده است. این تاریخ نماد بیداریش و آغاز مطالبه گری برای نجات این زیست بوم است. ۲- همزمانی با پایان تابستان: این روز در پایان فصل تابستان قرار دارد؛ فصلی که تبخیر آب در خلیج به اوج می رسد و اثرات خشکسالی بیشتر نمایان می شود. انتخاب این روز می تواند نمادی از پایان بی توجهی و آغاز اقدام باشد. ۳- فرصت آموزشی و فرهنگی: نزدیکی این روز به آغاز سال تحصیلی، امکان برگزاری برنامه های آموزشی، فرهنگی و هنری در مدارس، دانشگاه ها و مراکز فرهنگی را فراهم می کند تا نسل جوان با اهمیت خلیج گرگان آشنا شود. این پیشنهاد می تواند به عنوان گامی نمادین و عملی در جهت حفظ و احیای خلیج گرگان مطرح شود و زمینه ساز شکل گیری پوشش های مردمی، مطالبه گری رسانه ای و اقدام نهادی باشد.

دریای خزر، ورود فاضلاب های شهری و کشاورزی، رسوب گذاری شدید، سدسازی بی رویه و کاهش آبدی رودخانه های بالادست، زخم هایی عمیق بر پیکر این خلیج وارد کرده اند. کارشناسان هشدار داده اند که اگر اقدامی فوری صورت نگیرد، خلیج گرگان به سرنوشت دریایچه ارومیه دچار خواهد شد. اقدامات دولتی؛ امیدی در سایه کنلی در سال های اخیر، دولت با صدور مجوزهایی برای پمپاژ آب از دریای خزر به خلیج گرگان موافقت کرده است. این طرح قرار است از سال ۱۴۰۴ آغاز شود و هدف آن جلوگیری از خشک شدن کامل خلیج و مهار ریزگردهای نمکی است که زندگی و کشاورزی مردم منطقه را تهدید می کند. با این حال، کنلی اجرای طرح های احیایی و نبود زیرساخت های لازم، موجی از انتقادات را برانگیخته است. استاندار گلستان نیز بارها خواستار اقدامی ملی و فراجناحی برای نجات این زیست بوم شده و آن را آزمونی برای اراده ملی دانسته است. پیشنهاد: روزی برای خلیج گرگان با توجه به اهمیت خلیج گرگان در زیست بوم شمال کشور، و بحرانی بودن وضعیت آن، پیشنهاد می شود روز ۳۰ شهریور که در سال های اخیر با هشدارهای زیست محیطی درباره این خلیج همراه بوده، به عنوان «روز خلیج گرگان» در تقویم محلی استان گلستان ثبت شود. این روز می تواند فرصتی باشد برای آموزش، همبستگی، مطالبه گری و اقدام عملی در جهت نجات این پهنه آبی. همان طور که زاینده رود، دریایچه ارومیه، مرداب انزلی و جنگل های هیرکانی نیازمند توجه اند، خلیج



خلیج گرگان؛ گوهر فراموش شده شمال ایران



نسترن گل محمدی

در سرزمینی که تقویمش پر است از روزهایی برای یادآوری، گرامیداشت و هشدار، برخی مکان ها و موضوعات هنوز بی روز مانده اند؛ بی نام در تقویم، اما پر زخم در واقعیت. همان طور که ۱۸ مهر برای زاینده رود در دل اصفهانی ها جا باز کرد، خلیج گرگان نیز سزاوار روزی است برای دیده شدن، برای فریاد شدن. خلیج گرگان، بزرگ ترین خلیج ایرانی دریای خزر، در جنوب شرقی این دریا و در محدوده شهرستان های بندر ترکمن، بندرگز، نوکنده و بهشهر واقع شده است. این پهنه آبی با طول ۶۰ کیلومتر و عرض ۱۲ کیلومتر، نه تنها زیستگاه گونه های نادر و تکیه گاه اکوسیستم منطقه است، بلکه در سال ۱۳۵۴ به همراه تالاب میانکاله و لپوی زاغمرز، نخستین مجموعه تالاب ایران بود که در فهرست جهانی رامسر ثبت شد. اما امروز، این گوهر آبی در آستانه مرگ خاموش است. کاهش سطح آب

ذخیره سازی خون بند ناف، بیمه سلامتی برای آینده

عضلاتی اسکلتی، دیابت، پارکینسون و اوتیسم. رتوفی نیا، قابلیت استفاده از سلول های بنیادی برای سایر اعضای خانواده در صورت تطابق ژنتیکی را از دیگر مزایای این روش برشمرد. رتوفی نیا، ادامه داد: تنها در برخی موارد خاص طبق پرسشنامه بین المللی که از سوی رویان تعیین شده، ذخیره سازی سلول بنیادی منع مطلق و در برخی موارد منع نسبی دارد. این پزشک متخصص در پایان سخنان خود همچنین با اشاره به اینکه ذخیره سازی سلول بنیادی فقط در لحظه تولد امکان پذیر است و با توجه به امکان نمونه گیری در استان گلستان، از مادران دعوت کرد این سرمایه با ارزش به راحتی به عنوان یک زیاده بیولوژیک دور ریخته نشود و به عنوان بیمه سلامتی برای آینده ذخیره شود.



می شود، به طور قطع در آینده شاهد افزایش تعداد بیماری های قابل مداخله با این سلول ها خواهیم بود؛ بیماری هایی از قبیل بیماری های

سلول های بنیادی قابلیت تبدیل به سایر سلول های بدن را داشته و با پیشرفت های چشمگیری که در شرکت فناوری رویان مشاهده

غزاله صیدانلو- یکی از متخصصان زنان در گنبدکاووس، ذخیره سازی سلول های بنیادی خون بند ناف را روشی نوین و مؤثر در درمان بیماری های صعب العلاج دانست و بر بی خطر بودن این فرآیند برای مادر و نوزاد تأکید کرد. دکتر آیدین رتوفی نیا، متخصص زنان در شهر گنبدکاووس، ذخیره سازی سلول بنیادی خون بند ناف را روشی نوین در درمان بیماری های صعب العلاج برشمرد. وی با بیان اینکه در روند ذخیره سازی سلول بنیادی خون بند ناف، هیچ آسیبی مادر و نوزاد را تهدید نمی کند، گفت: این فرایند کاملاً استریل بوده و به راحتی در دسترس است و بازدهی بیشتری نسبت به سایر روش های درمانی از جمله پیوند مغز استخوان دارد. این متخصص زنان در ادامه افزود:

در گفت‌وگو با محدثه شعری

محدثه عوض پور:

شعر، ستاره‌های ست که در آسمان ششم دنبالش می‌گشتم



محدثه عوض پور مهندس روانشناس شاعر را برای ما معرفی می‌کنی؟

اول لازم است بگویم؛ ممنونم از شعر که من را با آقای جلیلی آشنا کرد و ممنونم از آقای جلیلی که محله‌ها را با هم. وقتی بعد از پیشنهاد ایشان برای این مصاحبه، به دنبال اطلاعاتی از شما، مصاحبه‌های قبلی‌تان را در اینترنت جست‌وجو کردم، این آشنایی مبارک‌تر شد. مبارک‌تر از این نظر که با خواندن آنچه از خود گفته بودید، با خود گفتم: چه جالب! چقدر تفاهم داریم. هر دو زنیم و از محیط خانوادگی کاملاً زنانه می‌آییم؛ چون من هم اولین دختر یک خانواده با پنج فرزند دختر هستم و مثل شما دو فرزند دختر دارم. خب! من محله عوض‌پور هستم. متولد ۱۳۶۵ با اصالتی کرمانی که سال‌هایی در سیستان و بلوچستان و مازندران بودم و حالا هم در گلستان زندگی می‌کنم. مسیر شغلی من تلفیقی از علاقه به سیستم‌های دقیق و درک عمیق انسان است. ابتدا، در سال ۱۳۸۷ مدرک مهندسی مکانیک هوابیما را از دانشگاه صنعت هوانوردی بندرعباس گرفتم و بخشی از مسیر حرفه‌ای اولیه‌ام را به عنوان مکانیک در بخش‌های فنی شرکت‌هایی مانند آریا و یک مرکز آموزش خلبانی در ساری طی کردم. آن دوران برای من تجربه ارزشمندی در مواجهه با مسئولیت‌پذیری در حوزه فنی بود. به دلیل تغییر شرایط زندگی، مسیر شغلی‌ام به سمت روانشناسی تغییر کرد. پس از کسب مدرک کارشناسی و سپس کارشناسی ارشد روانشناسی در سال ۱۳۹۶، فعالیت اصلی خود را به حوزه درمان‌گری و مهارت‌آموزی اختصاص دادم و تا به امروز در این زمینه فعال هستم. نکته جالب در مسیر من این است که علاقه اولیه به حوزه هوانوردی را کاملاً کنار نگذاشته‌ام و در کنار کار درمان که بخشی از آن در دانشگاه گلستان است به تدریس در رشته هوانوردی در مدرسه پرواز گرگان نیز مشغولم و در کنار اینها ویراستاری هم می‌کنم.

از چه زمانی شعر گفتن را شروع کردید و چه چیزی شما را به دنیای شعر کشاند؟

حدود دو سال و نیم است که شعر می‌نویسم. پیش‌تر در دوران دبیرستان و راهنمایی دل‌نوشته‌هایی داشتم که از وزن و قافیه درست محروم بودند و بیشتر برای دوستان نزدیکم می‌خواندم.

اولین تجربه‌ی شاعرانگی‌تان را به یاد دارید؟

اولین شعری که نوشتم را به‌خاطر ندارم، اما

اولین شعری که در جمع انجمن خواندم، برای «جاده جندق» بود؛ شعری که غم غربت و دوری از خانواده مرا وادار به نوشتنش کرد. با وجود ضعف‌های فنی، تشویق انجمن دوشنبه‌های شعر گرگان باعث شد ادامه دهم و بفهمم شعر همان ستاره‌ای‌ست که در آسمان ششم دنبالش می‌گشتم.

سبک شعری‌تان را چگونه تعریف می‌کنید؟

در حال جست‌وجو هستم تا سبک نزدیک‌تری به خودم بیابم. اما به شعر موزون علاقه بیشتری دارم و بیشتر شعرهایم در قالب کلاسیک‌اند. در نقد شعرهایم به نوعی گروتسک اشاره می‌کنند، در بعضی دیگر هم اگرستانسیالیسم را پررنگ می‌بینند و داشتن روایت و گاه حتی قصه را ویژگی آنها می‌دانند و در سه شعر فوتبالی هم که نوشتم درباره سه چهره نامدار مستطیل سبز؛ روبرتو باجو، پله و زین‌الدین زیدان، زندگی‌نامه فشرده با خرده‌روایت‌های مرتبط با هر کدام از آنها، پس معلوم می‌شود خط روایت در شعرهایم پررنگ است و البته توجه به زبان هم. کارهای من به جز آن شعرهای فوتبالی که بنا دارم با افزودن به آن به‌صورت یک مجموعه در بیاورم، باقی متنوع‌اند و هر کدام دنیای خودشان را دارند و مشخصه اغلب آن داشتن «گفت‌مان» است. تمام سعیم این است که از نوشتن «کار» به قول رولان بارت به به نوشتن «اثر» برسم. مثل فیلم‌سازی که هر یکی دو سال یک فیلم می‌سازد و تمام تلاشش و ایده‌ها و حرف‌هایش را روی آن می‌گذارد، من هم سعیم این است که سالی ۵۶۱ تا شعر بنویسم و درست و حسابی روی آن کار کنم. و اینکه چقدر موفق بودم، دیگران باید بگویند نه من عطار!

مضامین انسانی و احساسی در شعر شما از کجایم آیند؟

هر دو؛ هم تجربه‌های شخصی و هم نگاه اجتماعی‌ام به جهان است.

کدام شاعر یا جریان ادبی بیشترین تأثیر را بر شما گذاشته است؟

حافظ، سعدی، خواجه عبدالله انصاری، بابا طاهر، شهریار، پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، نیما، سهراب، اخوان، سیده‌هلدی موسوی و علیرضا آذر و ... اولین مواجهه‌ها با شعر از طریق پدرم بود که با خواندن اشعار بزرگان، احساساتش را بیان می‌کرد و مرا به شنیدن و فهمیدن آن‌ها مشتاق می‌ساخت.

شعر برای شما بیشتر «بیان احساس» است یا «کشف معنا»؟

شعر برایم محل تفکر درباره‌ی خودم است. گاهی بعد از نوشتن یک شعر، به اشتباهاتم پی می‌برم و نگاه تازه‌ای پیدا می‌کنم.

در فضای امروز ادبیات ایران، شعر چه جایگاهی دارد؟

شعر همچون سیب سرخی بر شاخه نشسته است؛ زیبا و مفید. اما اینکه

جامعه چقدر به چشیدن آن راغب است، نیازمند پژوهش و آمار دقیق است.

مسیر شعری خود را در چند واژه خلاصه کنید.

جست‌وجو.

تجربه‌های شما در انتشار یا اجرای شعر؟

هنوز به مرحله چاپ کتاب نرسیده‌ام، اما پای ثابت «دوشنبه‌های شعر گرگان» هستم و بیشتر دوست دارم شعر خوب بشنوم.

شعر برای شما راهی برای فهم هستی است؟

بله، شعر برایم محلی‌ست برای گفت‌وگوی درونی با خودم و تأمل درباره‌ی هستی، انسان و آفرینش.

موافقید درباره چند شعر شما صحبت کنیم؟

حتماً باعث خوشحالی من است.

در شعر «عکس گرفتن از ماه»

با زبانی طنزآلود و استعاری، به نقد نگاه سطحی و رسانه‌ای به زن پرداخته‌اید. این شعر هم عاشقانه است، هم اجتماعی. چطور به این ترکیب رسیدید؟

برای من، زن بودن همیشه با دیده شدن گره خورده؛ اما نه آن دیده شدنی که دوربین‌ها ثبت می‌کنند. «عکس گرفتن از ماه» اعتراض به همین تصویرسازی‌های تحریف‌شده است. می‌خواستم بگویم: زن، از نزدیک شاید «بدعکس» باشند، اما از دور، ماه است- اگر با عشق نگاهش کنی. درباره این شعر، نقد مفصلی آقای جلیلی نوشته و در گلشن مهر و بعد از آن هم در ماهنامه عصر روشن منتشر شده.

در «اسب من» با تصویر یک اسب درونی، به نوعی از میل، رهایی و حتی اختلال روانی اشاره کرده‌اید.

این اسب، گاهی عاشق است، گاهی سرکش. آیا این شعر را می‌توان نوعی خودنگاری روان‌شناختی دانست؟ کاملاً! «اسب من» تجسمی‌ست از آن بخش درونی که نمی‌خواهد رام شود. گاهی میل، گاهی اضطراب، گاهی خلاقیت. اسب، همان نیرویی‌ست که هم می‌خواهد برود، هم می‌خواهد بماند. و من فقط تماشاگر این دوگانگی‌ام.

در «گل مصنوعی» با زبانی

استعاری، به نقد عشق‌های ساختگی و روابط سطحی پرداخته‌اید. آیا این شعر واکنشی‌ست به تجربه‌ای شخصی یا نگاهی اجتماعی؟ بیشتر نگاهی‌ست به فضای امروز؛ جایی که گل مصنوعی، جای گل واقعی را گرفته. عشق‌هایی که فقط ظاهر دارند، اما ریشه ندارند. این شعر،

گفت‌وگویی‌ست میان من و درختی که دیگر نمی‌داند عاشق شود یا هرس شود.

شعر بلند «وقتی روانشناسی و...»

انگار مونولوگ درونی یک زن درگیر با خودش است. از عشق تا اختلال، از طنز تا تراژدی. این شعر را چطور نوشتید؟

این شعر، حاصل یک شب بی‌خوابی‌ست. وقتی روان‌شناسی خوانده باشی، و زن باشی، و شاعر باشی، گاهی نمی‌دانی کدام صدای درونت را باید جلدی بگیری. این شعر، گفت‌وگوی من با همه‌ی آن صداهاست.

و در «عصر حجر» با لحنی عاشقانه و طنز، به آرزوی بازگشت به سادگی اشاره کرده‌اید.

آیا این شعر، نوعی پناه بردن به خیال است؟

بله، خیال‌گاری که در آن عشق، بی‌واژه و بی‌قضاوت باشد. جایی که آدم‌ها هنوز یاد نگرفته‌اند با کلمات، همدیگر را زخمی کنند.

از عصر حَجَر به دنیای معاصر

بیاییم. به نظر شما بشر به کدام سو می‌رود؟

بشر همیشه میان مرگ و زندگی در تلاطم است؛ در ساحت زندگی نشسته و به دریای مرگ خیره می‌شود. امید آن است که با یادگیری شند، بتواند از این دریا لذت ببرد و در آن بماند.

آیا شعر می‌تواند در سرنوشت بشر

سهمی داشته باشد؟

امیدوارم چنین باشد. شعر می‌تواند مسیر آگاهی و ایمان انسان را دگرگون کند.

شعر زنان امروز چه ویژگی‌هایی دارد؟

شعر برای زن امروز ابتدا راهی برای نجات بود؛ بیان درد و احساسات، ضرورتی برای بقای روان. زن امروز با قدرت قلم، جامعه را بهتر می‌بیند و نقد می‌کند. شعر زنان از تخلیه هیجانی صرف، به خلق زبان جدید رسیده است.

فضای مجازی چه تأثیری بر شعر داشته است؟

دسترسی به شعر و شاعران را آسان کرده، اما آسیب‌هایی هم داشته که با ارتقای فرهنگ و سواد قابل ترمیم‌اند.

با عنوان سخن پایانی؛ اگر بخواهید پیامی برای مخاطبان شعر‌تان بگذارید، چه می‌گویید؟

شعرهای من دعوتی‌ست به مکث؛ به ایستادن میان هیاهو و شنیدن صدای درون. اگر واژه‌ای از من، روزی در دل کسی جوانه بزند، همان کافی‌ست. من با شعر، خودم را می‌فهمم و امیدوارم مخاطبم نیز، در آینه‌ی آن، تکه‌ای از خودش را بازشناسد.

شعری از محدثه

عوض پور

به انتخاب خودش:



عصر حَجَر

بیا با هم بریم عصر حَجَر با
یه ماشین زمان و برنگردیم
من و تو صاحب یه غار کوچیک
بشیم از این جهان و برنگردیم
به تاریخی که انسان لال بوده
فقط لب بوده و لب بوده و لب
دویده عشق رو بی‌هیچ حرفی
مث اسبای وحشی صبح تا شب
به تاریخی که انسان خلق می‌کرد
خدای مهربونی از دل سنگ
خدای هرکسی مال خودش بود
بدون ترس یا تهدید یا جنگ
بریم عصر حَجَر، جایی که وقتی
نبودم هم قدم با روزگار
یه قلوه‌سنگ بندازی به ستم
به‌جا حرفای تند و طعنه‌دارت
اصن ول کن بیا با عاج ماموت
برای غارمون یه در بسازیم
یه تخت سنگی و محکم یه گوشه
واسه خوابای راحت‌تر بسازیم
تو می‌ری صب تاشب با تیرکمون
منو با رفتنت هی حرص می‌دی
تموم زندگیت جنگ و شکاره
همیشه بوی گرگ و خرس می‌دی
منم برگشتم از یه دشت سوسن
پَر قرقاول آویزون به گوشم
می‌خوام که یه گل بابونه باشم
برات برگای نازک‌تر بپوشم
خزیده انتظارت دور بغضم
شبیبه جفت‌گیری دوتا مار
برای اینکه دردم رو بفهمی
کشیدم زخم آهویی رو دیوار
یه آهر که دوتا چشم سیاهش
به عاج محکم ماموت خیره‌س
چنان خون جاریه از جای
زخمش
که تخت خالی ما یه جزیره‌س
تو برمی‌گردی و موج عرق باز
گرفته خشکی موهاتو از من
به کوهِ گل تو دستات خیره می‌شم
که پنهون کرده بازوهاتو از من

ک، سیده محدثه حسینی و محدثه عوض پور، ستانی خواستیم با یکدیگر گفت و گو کنند و صمیمی و اندیشمندانه درباره‌ی شعر، تجربه‌ی بن مصاحبه نه تنها بازتابی از دغدغه‌های شعری هم صدایی دو زن شاعر از دل خانواده‌هایی که گر که با واژه‌ها، جهان را بازخوانی می‌کنند.



برای آغاز خودتان را معرفی کنید!

من، سیده محله حسینی هستم؛ متولد ۱۶ مهر ۱۳۸۱ و ساکن مینودشت. تحصیلاتم در رشته‌ی ادبیات فارسی تا مقطع دکتری ادامه پیدا کرده و از سال ۱۳۸۵، بعد از گرفتن لیسانس، وارد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شدم. هفده سال در کانون کار کردم؛ سال‌هایی که برایم سرشار از تجربه‌های زیبا، انسانی و خلاقانه بود. در سال ۱۴۰۲، مسیوم به آموزش و پرورش رسید و حالا به‌عنوان دبیر ادبیات، تجربه‌ی پرورش و کشف استعدادهای ادبی و هنری را به فضایی مدرسه آورده‌ام. دقایق اکنون را بی‌اغراق، بی‌نظیر و عالی می‌دانم؛ چون حس می‌کنم در جای درستی ایستاده‌ام. از سال ۱۳۹۱، هم‌زمان با ادامه‌ی تحصیل در مقاطع ارشد و دکتری، تدریس در دانشگاه جامع گنبد کاووس را آغاز کردم و تا امروز با این مجموعه همکاری دارم. «ریل‌های کاغذی»، «بن‌بست یعنی آسمان»، «مثل جای صبحانه» و «غم دنباله‌دار» چهار مجموعه‌ای هستند که از من منتشر شده است. برای من، آموزش، شعر و پژوهش سه ضلع یک مثلث‌اند که هرکدام به دیگری معنا می‌بخشند.

خانم دکتر حسینی، چه شد که به‌طور جدی مسیر شاعری را انتخاب کردید؟ نقطه‌ی عطف یا انگیزه‌ای که شما را به سمت خلق ادبی سوق داد، چه بود؟

راستش شعر برای من انتخاب نبود اتفاق بود. از جایی آمد که کلمه در من قد کشید و احساس، راهی جز واژه‌شدن نداشت. در نوجوانی، وقتی برای نخستین‌بار فهمیدم می‌توان با چند واژه‌ی ساده جهان را دوباره ساخت، دیگر نتوانستم از این مسیر دل بکنم. شاید نقطه‌ی عطفش همان لحظه‌ای بود که دریافتم شعر می‌تواند هم پناه باشد و هم مسئولیت؛ پناهی از رنج‌ها و مسئولیتی برای معنا بخشیدن به آن‌ها.

به‌عنوان کسی که دکتر ادبیات فارسی هستید، آیا تحصیلات آکادمیک در نگاه شما به شعر یا در شیوه‌ی سرودن و انتخاب مضامین تأثیری داشته است؟ تحصیل در رشته‌ی ادبیات برای من،

بیش از آن‌که افزودن بر دانسته‌ها باشد. گشودن چشم به ریشه‌ها بود. شناخت متون کهن، وزن و موسیقی زبان، و سیر تحول معنا در شعر فارسی باعث شد شعر را نه فقط به‌عنوان احساس، بلکه به‌عنوان «فرآیند اندیشیدن با واژه‌ها» درک کنم. می‌توان گفت تحصیلاتم ذهنم را منظم‌تر کرد، اما دل شاعرانه‌ام همچنان همان‌جاست که از آغاز بود؛ در خلوت تأمل و شهود. مطالعه‌ی متون کلاسیک و نظریه‌های ادبی، زاویه‌ی دیدم را گسترش داد و زبانم را منسجم‌تر کرد.

در مورد شما گفته شده که به‌شدت علاقه‌مند به تجربه در شعر هستید و نگاه‌های متفاوت به زندگی و اجتماع را وارد شعرتان کرده‌اید. این تجربه‌گرایی در کدام قالب‌های شعری و با چه رویکردی در آثار شما نمود پیدا کرده است؟ برای من، شعر محدوده‌ای ثابت و بسته نیست؛ عرصه‌ای ست برای کشف و تجربه. هر تجربه‌ی زیسته even- اگرچه کوچک و روزمره باشد می‌تواند پنجره‌ای تازه به جهان واژه‌ها بگشاید. در شعر، از سنت نمی‌گریزم اما در آن توقف هم نمی‌کنم. تجربه‌گرایی برای من یعنی عبور مداوم از عادت‌های زبانی؛ یعنی جسارت دیدن جهان از زاویه‌ای تازه. شاعر باید جسارت تجربه داشته باشد تا شعرش زنده بماند.

دغدغه‌های اصلی و مضامینی که بیشتر در شعرهای شما تکرار می‌شوند، چه هستند؟

دغدغه‌های شعری من عمدتاً حول محور انسان و تجربه‌های وجودی او شکل می‌گیرند. در شعرهایم، عشق، فقدان، و تأمل در مفهوم بودن، بیشترین تکرار را دارند. همچنین، مسائل اجتماعی-به‌ویژه جایگاه زن و رنج‌های خاموش او در جامعه- از موضوعاتی هستند که به‌صورت ضمنی در شعرهایم بازتاب می‌یابند. تلاش می‌کنم میان عاطفه و اندیشه تعادل برقرار کنم تا شعر، هم حس را منتقل کند و هم ذهن را به تأمل وادارد.

در مصاحبه‌ای از شما خواندم که شعرایان را به همسران تقدیم کرده‌اید. نقش زندگی شخصی، خانواده و تعهدات فردی در محتوا و حس شعرهای شما چگونه است؟

زندگی شخصی و خانواده برای من مانند زمینی حاصلخیز است که شعر از آن می‌روید. تقدیم شعرهایم به همسر من صرفاً یک عمل عاشقانه، بلکه سیاسی‌ست از همراهی، صبر و فهم او که امکان تجربه‌ی شاعرانه را برایم فراهم می‌کند. تعهدات فردی و زندگی مشترک، مرا به تأمل در روابط انسانی، گذر زمان و مسئولیت نسبت به جهان وامی‌دارد. شعر در چنین فضایی زاده می‌شود؛ جایی که احساس شخصی و نگاه فلسفی به زندگی در هم تنیده‌اند.

شما به این نکته اشاره کرده‌اید که زن در جامعه با چهارچوب‌ها و تعهداتی مواجه است که گاه او را از استعدادهایش دور

در گفت و گو با محدثه عوض پور

سیده محدثه حسینی:

شعر، پناهی ست برای رنج و مسئولیتی ست برای معنا

می‌کند. به نظر شما چالش‌های یک زن شاعر امروز برای دیده‌شدن و بیان دغدغه‌هایش در جامعه‌ی ادبی چیست؟ چالش‌های یک زن شاعر امروز دو جنبه دارد: اجتماعی و ادبی. از نظر اجتماعی، تعهدات خانوادگی، انتظارات فرهنگی و محدودیت‌های روزمره گاه مانع تمرکز و استمرار در خلق آثار می‌شوند. از نظر ادبی، هنوز برخی فضاها و فرصت‌ها در جامعه‌ی ادبی به‌طور برابر در دسترس نیست و زنان باید تلاش مضاعف کنند تا دیده شوند و دغدغه‌هایشان شنیده شود. با این حال، همین چالش‌ها می‌توانند انگیزه‌ای برای شکل‌دادن به زبان و مضامین خاص زنانه باشند و شعر را به فضایی قدرتمند برای بیان تجربه‌های فردی و اجتماعی تبدیل کنند.

آیا معتقدید شعر زنانه دارای زبان یا جهان‌بینی خاص و مستقلی‌ست؟ این ویژگی‌ها در شعر شما چگونه نمایان می‌شود؟ من معتقدم شعر زنانه بیش از آن‌که قالب یا سبک خاصی داشته باشد، از تجربه و جهان‌بینی زنانه شکل می‌گیرد. این جهان‌بینی، حساسیت به جزئیات، توجه به روابط انسانی، و نگاهی تأملی به زندگی و جامعه را در خود دارد. در آثار من، این زبان با تمرکز بر جزئیات، تصویرسازی‌های ملموس، و ترکیب احساس و تفکر آشکار می‌شود. می‌توان گفت زبان شعر زنانه در آثارم، هم‌زمان بیان شخصی و وسیله‌ای برای بررسی تجربه‌های اجتماعی است.

به‌عنوان یک پژوهشگر و شاعر، جایگاه شعر معاصر فارسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ کدام جریان‌های شعری امروز ایران را تأثیرگذارتر می‌دانید؟

به باور من، جریان‌هایی که توانسته‌اند از کلیشه‌ها فاصله بگیرند و به تجربه‌ی فردی، اندیشه و زبان نو دست پیدا کنند، تأثیرگذارتر بوده‌اند. شعر امروز بیش از هر زمان، به «درک جهان از زاویه‌ی فردی» گرایش دارد و این همان جایی‌ست که شعر به تأمل و معنا بازمی‌گردد نه صرفاً به بیان احساس. به نظر من، تأثیرگذارترین جریان‌ها آن‌هایی هستند که توانسته‌اند میان احساس، اندیشه و زبان تعادل برقرار کنند و صدای جامعه باشند.

واکنش‌ها و نقدهای مخاطبان و منتقدان چه تأثیری بر ادامه‌ی مسیر شاعری شما داشته و چقدر به آن‌ها توجه می‌کنید؟

نقد و بازخورد مخاطبان برای من ارزشمند است، زیرا باعث می‌شود شعر از دایره‌ی ذهن شاعر خارج شود و وارد گفت‌وگو با جامعه گردد. البته همواره میان نقد سازنده و قضاوت سطحی تفاوت قائل‌ام. نقد علمی و دقیق می‌تواند به رشد زبان و نگاه شاعر کمک کند، اما تکیه‌ی بیش از حد بر واکنش دیگران، خطر از دست رفتن صدای درونی را در پی دارد. در مجموع، من نقد را می‌پذیرم و به آن می‌اندیشم، اما مسیرم را با حس و باور شخصی ادامه می‌دهم. نقد را چراغ می‌دانم، نه مسیر؛ راه را هنوز باید با درون خودم پیدا کنم.

موافقت‌درباره چند غزل شما صحبت کنید؟ بله، حتماً جالب خواهد بود.

در یکی از غزل‌ها، عشق را «ملغمه‌ی درهم و پر سود و زیان‌تر» خوانده‌ای. این بیت خیلی جسورانه است: «با اینهمه ای عشق! جهان با تو قشنگ ست / ای ملغمه‌ی درهم و پر سود و زیان‌تر!»

چرا عشق را این‌طور متناقض تصویر کرده‌ای؟

چون عشق برای من همیشه هم آرامش بوده، هم آشوب، خواستم نشان بدهم که زیبایی‌اش در همین تضادهاست. عشق اگر فقط سود بود، سطحی می‌شد. اگر فقط زیان بود، تلخ. اما وقتی هر دو را با هم دارد، می‌شود چیزی شبیه زندگی. در غزلی دیگر، گفته‌اید:

«آنچه می‌سوزاند آن‌ها را، گلستان من است»

آیا سختی‌ها را همیشه این‌طور معنا کرده‌ای؟ بله. آتش برای من نماد آزمون است. هر بار که سوخته‌ام، چیزی درونم روشن‌تر شده. مثل ققنوس، مثل آهن در کوره، سوختن گاهی مقدمه‌ی شکفتن است. در یکی از غزل‌ها، صدای طغیان شنیده می‌شود. این بیت خیلی فلسفی‌ست: «مرا که ثروتم از این جهان نخواستن است / به پشت کردن بخشنده‌ها نترساید»

آیا نخواستن را نوعی دارایی می‌دانی؟ کاملاً! نخواستن یعنی آزادی. یعنی رهایی از قیدهای تحمیل‌شده. ثروت من، همین بی‌نیازی‌ست. در غزلی دیگر، از صداقت بی‌نقاب حرف زده‌ای. این بیت خیلی شخصی‌ست: «پنهان‌نشدم زیر نقابی همه‌ی عمر / این خاصیت مردم تنهای کویر است»

آیا همیشه این‌طور زیسته‌ای؟ تلاش کرده‌ام. ترجیح دادم خودم باشم، حتی اگر تنها بمانم. تنهایی کویر، برای من شریف‌تر از نقاب‌های اجتماعی‌ست.

در یکی از غزل‌ها، عشق مثل نوری‌ست که بر هر چیز می‌تابد. این بیت خیلی لطیف است: «یک تکه سنگ بود که روزی شد آینه / زیبایی وجود تو را بس به خود گرفت»

آیا واقعاً باور داری که عشق می‌تواند پستی را به شکوه بدل کند؟

کاملاً! عشق، کیمیاگری‌ست. حتی سنگ را آینه می‌کند، حتی خاک را اطلس زیبایی، گاهی فقط از نگاه عاشقانه می‌جوشد. در غزلی دیگر، هر بیت تعریفی‌ست از یک واژه‌ی آشنا. این بیت خیلی تصویری‌ست: «در تنگه‌ی آغوش تو جا می‌شود دریا / اندازه‌ی یک خانه‌ی دلباز یعنی این!»

چرا این قدر با واژه‌ها بازی کرده‌ای؟ چون زبان، خانه‌ی عشق است. دوست داشتم واژه‌ها را دوباره معنا کنم، با نگاهی که از دل تجربه‌ی عاشقانه آمده. عشق، جهان را بزرگ‌تر می‌کند. حتی یک خانه‌ی

کوچک، با عشق، می‌شود دلبازترین جای دنیا.



چه توصیه‌ای برای شاعران جوانی دارید که در ابتدای راه هستند و می‌خواهند نخستین مجموعه خود را منتشر کنند؟

زیاد بخوانید، زیاد سکوت کنید و بگذارید شعر در شما بماند تا پخته شود. جهان بیش از شعر خوب، به شاعر خوب-یعنی انسان خوب-نیاز دارد. روزی که شعرهایتان توانستند بدون توضیح از جانب شما حرف بزنند، بدانید که زمان انتشارشان رسیده است. شعر زمانی ماندگار می‌شود که از صداقت و تجربه‌ی واقعی زاده شود، نه صرفاً از شوق دیده‌شدن.

در پایان، اگر بخواهید یک جمله‌ی کوتاه به‌عنوان تعریف شخصی‌تان از شعر بگویید، آن جمله چیست؟

شعر برای من، راهی‌ست برای لمس جهان با انگشتان واژه؛ جایی که سکوت معنا پیدا می‌کند و رنج، به زبان درمی‌آید.

شعری از سیده محدثه حسینی به انتخاب خودش:

یعنی این

لبخند داری بر لب، آغاز یعنی این
لبخند یعنی راضی‌ام، ابراز یعنی این
با دیدن حال خوشت خوش می‌شود حالم
وارونگی در لحظه‌ای... اعجاز یعنی این
از چشم من می‌خوانی و می‌خوانم از چشمت
می‌دانم و می‌دانی‌ام، همراه یعنی این
وقتی زمین مثل قفس تنگ است، می‌آیی
دست مرا می‌گیری و پرواز یعنی این
هر وقت می‌پرسم که دنیا باب میل است؟
در پاسخم می‌خندی و ایجاز یعنی این
دیگر یقین دارم که در قلب تو جا دارم
در کل دنیا معنی احراز یعنی این
گفتم وطن یعنی کسی که دوستش داری
گفتی وطن جان است، یک سرباز یعنی این
آدم شکار چمپست غیر از چشم یک آدم؟
افسانه‌ی عشق به تیرانداز یعنی این
در تنگه‌ی آغوش تو جا می‌شود دریا
اندازه‌ی یک خانه‌ی دلباز یعنی این
اردیبهشت دیگری آورده این خرداد
عطر خوش شیراز در اهواز یعنی این

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و
ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و
ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و
ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۱۰، ۸۰۰، ۳۱۲۰، ۴۶۷، ۴۱۳، ۴۰۴، ۱۴۰ اهیت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي اراضي و ساختمانها را عقد رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان آق قلا برپنده کلاسه ۴۹۹۷۷۸۳۱۴، ۹۴۱۱۲۱۴، ۹۴۱۱۲۱۴ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی اراز بردی شریفا نیا فرزند مرد به شماره شناسنامه ۳ کدملی ۴۹۷۷۷۸۳۱۴ صادره آق قلا در شناسگانی یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۴، ۲۴ متر مربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتي شماره ۱۳ اصلی واقع در اراضي قریه یلمه سالیان، بخش ۱۲ حوزه ۱۲، ملک شهرستان آق قلا و سند قطعی عریض منقول بشماره ۷۲۹۰ مورخ ۱۳۲۰، ۰۶، ۱۳ دفتر ۷ علی آباد تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونیت به فاصله ۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع اعتراضی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت تقاضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۴، ۰۷، ۱۴ تاریخ انتشارنوبت دوم: دوشنبه ۱۴۰۴، ۰۷، ۱۵

هناز جهافر - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا - م: الف: ۷۷۹

آگهی تحدید حدود اختصاصی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود شدگان یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است
محاسبه ۲۰۶۰ مترمربع دارای پلاک ۱۲۸۲ فرعی از ۱۲۹- اصلی واقع در اراضی
توزیع‌شده بخش ۳ حوزه ثبتی گراگان ملک آقای مختار سیاه بالائی روضه علی اراضی
مساحت ۹ صحر روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۴/۸/۱۸ در محل وقوع ملک واقع استان
گلستان، شهرستان روضه ایروانی، وروبروی حافظ، پلاک ۱۹ بازید
میرعمیل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاری و نبوتی به حدود یا حقوق اترقانی
حقایق برای خود قائل است می‌تواند فقط تا روزی از تاریخ تنظیم صورتمجلس
تحدید حدود اعتراض خود را کتبا یا ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گراگان
تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم اعتراض به مرجع
تسلیمی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت مناقض
باین ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم
دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدینوسیله است در صورت عدم
وصول اعتراض اراضی ثبت و مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
تاریخ انتشار: دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۷/۲۱
جواد پورمند- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گراگان از طرف غلامرضا
قاسمی- شناسه آگهی ۲۰۲۳۴۸۰

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
ساختمان های فاقد سند رسمی

رای شماره ۵۹/۸۰۰۴۶۳۱۲۰۰۱۴۰۶/۱۴۰۷ تاریخ ۱۴۰۷/۰۷/۱۴ هیات موضوع قانون
تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد
شهرستان قلا پورنده کلاسه ۵۹/۸۰۰۴۶۳۱۲۰۰۱۴۰۶/۱۴ تصرفات مالکانه و
اثرات متقاضی نورمحمد طعنه فرزند سبطی قلیچ شماره شناسنامه ۱۴۴۵ کدملی
۲۶۶۹۱۲۷۳ صادره علی آباد ششادانگ یک قطعه زمین مزروعی مساحت ۷۵۰۰
متری مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۲ اصلی واقع در آق قلا،
بی قریه طعنه، بخش ۷، حوزه ثبتی ملک شهرستان قلا تایید گردیده است.
به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در
تحتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند
توانند از تاریخ انتشار آیین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این
تسلیم و پس از اتمام رسیدن، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،
اوست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای
مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
انتشار نوبت اول: ۱۴۰۷/۰۷/۲۱ دوشنبه ۱۴۰۷
انتشارنوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۷/۰۸/۰۱
مجاهران- رئیس ثبت و اسناد و املاک آق قلا- م الف: ۸۵۳

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان های فاقد سند رسمی

رای شماره ۱۴۰۴.۰۸.۰۰۰۳۹۲۱۲۰۰۰۴۰۳۱۲ تاریخ ۱۳۰۷.۰۱.۱۴ هیات موضوع قانون
تکلیف وضعیّت تیر اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد
شهروستان آق قلا پورته کلاسه ۱۴۰۴.۰۸.۰۰۰۳۹۲۱۲۰۰۰۴۰۳۱۲ تصویبات مالکانه
۱۹۹۷/۲۲۹۲۱۹۹۷ صادره علی آباد شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی مساحت
۱۱۶۰ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتي شماره ۲ اصلی واقع
در قلا، اراضی قریه طعنه، بخش ۱، حوزه ثبتي ملک شهروستان آق قلا تأیید
ده است. لذا به منظور اطلاع عموم مردم در دونوبت به فاصله ۱۵ روز تأیید
نمود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی
باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را
به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،
خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است صورت انقضای
مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۴.۰۷.۲۱
انتشارنوبت دوم: سه‌شنبه ۱۴۰۴.۰۸.۰۰
تجهانفر - رئیس ثبت اسناد و املاک آق قلا- م الف: ۸۵۲

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
ساختمان های فاقد سند رسمی

رای شماره ۳۷۶-۱۰۸۰۳۱۲۰۰۴۰۶۰۳ تاریخ ۵۰۲۹، ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تشکیل وضعیت تثنی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد شهرستان آق قلا پورته کلاس ۵۰۲۹، ۱۰۸۰۳۱۲۰۰۴۰۶۰۳ تصرفات مالکانه معارض متقاضی سیدرضا میردلمی فرزند سیدابوالفضل شماره شناسنامه و ۵۵۳۳۴۲۲۱ صادره علی آباد ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی مساحت ۷۶۷ مترمربع ۶۶۰ و مجزی شده جزئی از پلاک های ثبتی شماره ۵۰۱۳، ۵۰۱۴ بمساحت ۷۳۰ متر مربع و (عبدالرحمن تنگلی و بیرام قراقچی) ۳۶۶۱۷ متر مربع در آق قلا، اراضی قریه گرجی وال، بخش ۱۲، حوزه ثبتی ملک شهرستان ملاز سهمی مالکین رسمی (عبدالرحمن تنگلی و بیرام قراقچی) تایید گردیده لذا به منظور اطلاع مراتب در دونوبت به فاصله ۱۲ روز آگاهی می در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته می توانند از تاریخ انتشار اولین آگاهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به دادسترس تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، اورده خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۴، ۵۰۲۹، ۷۰۷۱

انتشارنوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۴، ۵۰۲۹، ۷۰۷۱

همانگونه رئیس ثبت اسناد و املاک آق قلا- م الف: ۸۵۷

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بد حدود ششادگان یک قطعه زمین زروعی به مساحت ۷۸۴.۵۴ مترمربع
به پلاک ثبتی شماره ۷۰۹ فرعی از ۲ اصلی واقع در اراضی دگونیجی بخش
از قلا مورد تقاضای اراضی توالکی فرزندان قربان قلی باستاندا بمصره ماض
نانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
مختمانهای فاقد سند رسمی در ساعت ۸ دوشنبه مورخه ۱۴۰۸.۰۸.۰۴در محل
ملک واقع در اراضی دگونیجی بخش ۲ شهر آق قلا، به عمل خواهد آمد
چهار روز تحدید حدود به روز دلیلی از سوی دولت محترم تقدیم رسمی اعلام
در عملیات تحدید در ساعت مقرر، روز بعد تعطیلی یا تعطیلات انجام خواهد
از این روز چنانچه مجاری و نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارفاقی حقیر بر
قائل است می تواند از تاریخ تنظیم صورتجلسه تحدید حدود (۳۰) سی
اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق
سلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به
ثبتی دابخواست به مرجع ذصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر اینصورت
ثبتی با نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم
رواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم
ال اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
تأشدار: دوشنبه ۱۴۰۷.۰۷.۲۱

«آگهی ثبتی»

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تجدید حدود ششادانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۳۳۰۷۴ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۷۱۰۰ فرعی از ۴ اصلی واقع در اراضی دوگونجی بخش ۱۳ ثوابت اق قلا مورد تقاضای الیاس توکلی فرزند قربان قلی باستاند تبصره نامه ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌ها فاقد سند رسمی در ساعت ۸:۳۰ دوشنبه مورخه ۱۳۰۴/۰۸/۱۲ در محل وقوع ملک واقع در اراضی دوگونجی بخش ۱۳ شهر اق قلا به محل خواهد نمود. (چنانچه روز تجدید حدود به هر دلیلی از سوی دولت مخترم تعطیل رسمی اعلام نگردد) از این رو چنانچه مجاورت نسبت به تجدید حدود یا حقوق انفرادی حق بر خود قائل است می تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تجدید حدود تا (۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک اق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبت ادخاوست به مرجع ذصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم ادخاوست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم تصویب اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰۰ مترمربع دارای پلاک ۷۲۸ قریع ۱۷۵- اصلی واقع در اراضی حیدرآباد بخش ۲ حوزه ثبتی گرگان ملکی اصغر علی اصغر میرصالحی فرزند حسن ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۱۳۸۴/۰۸/۱۹ در محل وقوع ملک واقع استان گلستان، شهرستان گرگان، مریخی حیدرآباد، خیابان دهقان، بسمت اراضی مزروعی، نرسیده به راه آهن بازدید بعمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاورى نسبت به حدود یا حقوق ارتقائی حقى برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتجلسه تحدید حدود اعتراض خود را کتباً یا ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع دادرسی با درخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید در غیر اینصورت تقاضای ثبتی یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت بدارد بسمت نماینده دادگاه است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مباردت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

جواد پورمند- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گران از طرف غلامرضا قاسمی- شناسه آگهی، ۲۰۲۴۲۴۶

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و
ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۴

[illegible]

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۴

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ - آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب ادعای حیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک راین استان منجر به صدور رای نه صورت صدور سند مالکیت نگردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

-حرای شماره ۹۹۹۹۰۰۰۳۷۲۰۱۰۰۶۶۷۴۰۰۰۸۳ در پرونده کلاسه ۱۵۰۳۱۴۴۱۴۲۰۰۰

تصرفات نفروزی و مالکانه آقای قربانعلی افسری فرزند غلامحسین مبتنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششادانگی یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۳/۲۵ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۳۷-اصلی و ۳۷-فرعی در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع واسطه از مالک رسمی (آقای رمضان توکلی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۴۹۲۹ مورخ ۱۳۵۰/۰۷/۰۷)، در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و روز سوتا ها تاریخ تصاق در محل تا دو ماه اعتبار خود را کتباً با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم درخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم درخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت ، موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است.

در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ (دوشنبه)

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ (چهارشنبه)

لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان م الف ۱۱۰۶۸

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و
ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۴

در اجرای ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳- آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی ارجایی- شماره ۱۰۰۰۷۷۲۱۰۱۴۱۶۱۴۱۴۰۳ تصرفات فروزی و مالکانه آقای جواد مرعشی فرزند حیدر مبینی بر صدور سند مالکیت نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۱/۱۶ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۴ فرعی ۲- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک بلاواسطه از مالک رسمی (آقای حمید طهرانیان)، صورت گرفته و متقاضی آن شخص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید در اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا یا ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبتی، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض مالک این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ (چهارشنبه)
لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان م الف ۱۱۴۰

لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان م الف ۱۱۴۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه
قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و
ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۱۲۰۱۲۰۲۴۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۳۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متناضی آقای / خانم حسنی محمدی صوفیان فرزند حاجی گلدی به استنادنامه شماره ۱۳۱۶۱ کملی ۱۳۱۶۱/۳۱۲۱۰۹ صادره از شهرستان کلاله در نشاندانگی یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۸۶,۵۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۷۶ فرعی از ۲۱۳ - اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله خریداری مع واسطه از مالکان رسمی آقای/خانم علیرضا اردی و حبیب یارسا سهم هر دو به نسبت مساوی محرز گردیده است ، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که شخصان مستحب به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت نقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۸/۰۷

همین سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله م الف ۱۱۰۹۴

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه
قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و
ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۶۰۳۱۲۰۰۲۲۷۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم امیر اکبریان فرزندان محمد به شناسنامه شماره ۶۱۰۳ کدملی ۴۸۶۹۸۹۴۵۳۳ صادره گنجدهاوس در فغانستان که قطعه زمین با پناهی احدثای به مساحت ۲۲۰/۸۰ مترمربع مغرور و مجزا شده از پلاک ثبتی ۱۹۹ - اصلی واقع در قریه کوسه بخش ۹ شهرستان کلاله خریداری از مالک رسمی آقای/خانم عطاخان عطایی مجز گردیده است ، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۹ روز آگهی می شود در صورتی که شخصان نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند تا تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ نهم سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله - م الف ۱۱۰۹۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه
قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای
فاقد سند رسمی

مستقر و واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کالاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی
 خاتم حامد خان فرزند دوردی به شناسنامه شماره ۴۸۶۰۰۲۳۸۶
 کدملی ۴۸۶۰۰۳۳۸۶ صادره از شهرستان کالاله در شناسنامه یک قطعه زمین

بنای احداثی به مساحت ۲۰۱,۴۰ مترمربع مفروز و مجرا شده از پلاک ۳۷۵ فرعی از ۲۱۳ - اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای/خانم علیرضا شیخ محرز گردیده است ، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رایج، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، درخواست تجدید نظر را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۴، ۰۷، ۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴، ۰۸، ۰۷

بہمن سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کالہ - م الف ۱۱۴۳

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه

قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای

فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۲۲۷ مورخ ۱۴۰۵/۶/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک کالاه تصرفات مالکانه با معارضات متقاضی آقای /خانم اسمعیل آقا محمدی فرزاد عمراه به شناسنامه شماره ۱۳۳ کدملی ۳۰۹۱۹۴۳۳۱ صادره از شهرستان گنبدکاووس در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی (کاربری تجاری) به مساحت ۴۷,۳۵ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۱۹۹ - اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کالاه خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای/خانم عطاخان عطایی مجرز گردیده است ، لذا به منظور اطلاع مردم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۸/۰۷ بهمین سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کالاه - م الف ۱۱۱۵۶

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۴، ۰۷، ۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴، ۰۸، ۰۷
بهمن سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کالاه - م الف ۱۱۱۵۶

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه

قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای

فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۲۴۲۹ مورخ ۱۴۰۶/۶/۳۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعراض متقاضی آقای خانم محمد کریم امینی فرزند دانشورعلی به شناسنامه شماره ۰ کدملی ۵۳۱۰۰۲۳۷۸۱ صادره از شهرستان مراوه رت به ثبت شدن آن یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۶۴٫۷ مترمربع مفروز و مجزا شده از باقیمانده پلاک ۱۷۷ فرعی از ۲۰۱ - اصلی واقع در قریه آیدرویش بخش ۹ شهرستان کلاله خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای خانم محمد قربانی محرز گردیده است ، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۸/۰۷

بهمن سالری - رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله - م الف ۱۱۱۵۴

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۴، ۰۷، ۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴، ۰۸، ۰۷

بہمن سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کالہ - م الف ۱۱۵۴

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف

وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴.۰۷.۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴.۰۸.۰۶

جواد یومرند- رئیس اداره ثبت اسناد و املاکی منطقه یک گرگان- شناسه

۲۰۲۴۶۲۳

لوازم آرایش، دوست پوست یا دشمن سلامتی؟

آرایشی، مانند اسکراب‌ها، برق لب یا محصولات برآق‌کننده، حاوی میکروپلاستیک هستند. این ذرات ریز به آب‌های زیرزمینی و اقیانوس‌ها راه پیدا می‌کنند و به حیات وحش و اکوسیستم‌های دریایی آسیب می‌رسانند. بسته‌بندی‌های غیرقابل بازیافت: ظروف پلاستیکی، شیشه‌ای یا فلزی لوازم آرایش اغلب غیرقابل بازیافت بوده و به انباشت زباله کمک می‌کنند.

آلودگی شیمیایی: مواد شیمیایی موجود در لوازم آرایش هنگام شستشو وارد فاضلاب می‌شوند و می‌توانند منابع آب را آلوده کنند. مصرف منابع طبیعی: تولید لوازم آرایش نیاز به منابع طبیعی مانند آب، نفت (برای پلاستیک) و مواد معدنی دارد که به تخریب محیط زیست منجر می‌شود.

مضرات اقتصادی

هزینه‌های مالی: لوازم آرایش باکیفیت معمولاً گران هستند و استفاده مداوم از آن‌ها می‌تواند فشار مالی بر افراد وارد کند، به‌ویژه اگر احساس کنند باید برندهای خاص یا محصولات لوکس بخرند. محصولات تقلبی: بازار لوازم آرایش تقلبی بسیار گسترده است. این محصولات نه تنها بی‌کیفیت هستند، بلکه ممکن است حاوی مواد خطرناک‌تری باشند که به پوست و سلامت آسیب می‌رسانند.

نکات برای کاهش مضرات لوازم آرایش

برای به حداقل رساندن این مضرات، می‌توانید اقدامات زیر را انجام دهید: انتخاب محصولات با مواد طبیعی: به دنبال محصولات طبیعی باشید که فاقد پارابن، سولفات، فتالات و عطرهای مصنوعی هستند. برندهای ارگانیک گزینه‌های بهتری هستند. خواندن برچسب‌ها: ترکیبات محصول را بررسی کنید و از موادی مثل سرب، فرمالدهید یا PFAS دوری کنید. پاکسازی منظم پوست: همیشه آرایش را قبل از خواب با پاک‌کننده‌های ملایم پاک کنید تا پوست فرصت بازسازی داشته باشد.

استفاده از ضدآفتاب: برای محافظت از پوست در برابر حساسیت به نور یا آسیب‌های UV، از ضدآفتاب مناسب استفاده کنید. محدود کردن استفاده: پوست خود را گاهی بدون آرایش بگذارید تا منافذ آن تنفس کنند.

دوری از محصولات تاریخ‌گذشته: لوازم آرایش را پس از انقضا دور بیندازید، زیرا می‌توانند محل تجمع باکتری‌ها شوند. خرید از برندهای معتبر: از خرید محصولات تقلبی یا ارزان‌قیمت از منابع غیرمعتبر خودداری کنید.

توجه به محیط زیست: محصولاتی با بسته‌بندی قابل بازیافت یا برندهایی که به پایداری محیط زیست اهمیت می‌دهند، انتخاب کنید.



مضرات برای چشم‌ها و لب‌ها

لوازم آرایشی که برای نواحی حساس مانند چشم‌ها و لب‌ها استفاده می‌شوند، می‌توانند خطرات خاصی داشته باشند: عفونت‌های چشمی: ریمل، خط چشم و سایه چشم ممکن است حاوی باکتری‌هایی شوند، به‌ویژه اگر تاریخ مصرفشان گذشته باشد یا با دیگران به اشتراک گذاشته شوند. این می‌تواند باعث بیماری‌هایی مثل التهاب پلک یا حتی التهاب قرنیه شود. ریزش مژه‌ها: استفاده مداوم از ریمل‌های سنگین یا چسب مژه مصنوعی می‌تواند فولیکول‌های مژه را ضعیف کرده و باعث ریزش یا نازک شدن مژه‌ها شود. خشکی و ترک لب‌ها: برخی رژلب‌ها، به‌ویژه انواع مات، حاوی موادی هستند که رطوبت لب‌ها را کاهش داده و باعث ترک‌خوردگی یا پوسته‌پوسته شدن می‌شوند. همچنین، سرب موجود در برخی رژلب‌ها (هرچند در مقادیر کم) می‌تواند در طولانی‌مدت برای سلامتی مضر باشد.

مضرات برای سلامت عمومی

لوازم آرایش می‌توانند از طریق جذب پوستی یا تماس با مخاط (مانند چشم و لب) وارد بدن شده و تأثیرات منفی بر سلامت عمومی داشته باشند: مواد شیمیایی سمی: برخی محصولات آرایشی حاوی موادی مانند سرب، فتالات‌ها، فرمالدهید، تولوئن و PFAS (مواد پرفلئوروآلکیل) هستند. این مواد می‌توانند: به عنوان اختلال‌گرهای غدد درون‌ریز شناخته می‌شوند. به خطر مشکلات عصبی را افزایش دهند (سرب در طولانی‌مدت می‌تواند به سیستم عصبی آسیب بزند).

تأثیرات روانی و اجتماعی

استفاده از لوازم آرایش، اگرچه می‌تواند اعتماد به نفس را افزایش دهد، گاهی اثرات منفی روانی و اجتماعی دارد: وابستگی روانی: برخی افراد به استفاده از آرایش وابسته می‌شوند و بدون آن احساس عدم جذابیت یا ناامنی می‌کنند. این می‌تواند به کاهش عزت نفس طبیعی منجر شود. فشارهای اجتماعی و استانداردهای زیبایی غیرواقعی: تبلیغات گسترده صنعت آرایش و تأثیر شبکه‌های اجتماعی باعث شده بسیاری از افراد، به‌ویژه زنان جوان، احساس کنند باید همیشه ظاهری بی‌نقص داشته باشند. این فشار می‌تواند به اضطراب، افسردگی یا حتی اختلالات تصویر بدنی منجر شود.

تأثیرات زیست‌محیطی

صنعت لوازم آرایش یکی از عوامل مهم در آلودگی محیط زیست است؛ میکروپلاستیک‌ها؛ بسیاری از محصولات

استفاده از لوازم آرایش، اگرچه در بسیاری از موارد برای زیبایی و اعتماد به نفس به کار می‌رود، می‌تواند مضراتی برای پوست، سلامت عمومی و حتی محیط زیست داشته باشد. به گزارش ایرنا زندگی، لوازم آرایش از دیرباز به‌عنوان ابزاری برای افزایش زیبایی و اعتماد به نفس مورد استفاده قرار گرفته‌اند و در فرهنگ‌های مختلف جایگاه ویژه‌ای دارند. این محصولات به افراد کمک می‌کنند تا ظاهر خود را بهبود بخشند و گاهی اوقات هویت و سبک شخصی خود را ابراز کنند. با این حال، پشت این دنیای رنگارنگ و جذاب، چالش‌ها و مضراتی نهفته است که می‌تواند بر سلامت پوست، بدن، روان و حتی محیط زیست تأثیرات منفی بگذارد. آگاهی از این مضرات و انتخاب‌های آگاهانه در استفاده از لوازم آرایش می‌تواند به کاهش این اثرات کمک کند. در این مطلب، به بررسی جامع مضرات لوازم آرایش در ابعاد مختلف پرداخته‌ایم و راهکارهایی برای کاهش این اثرات ارائه می‌دهیم تا مصرف‌کنندگان بتوانند با آگاهی بیشتری از این محصولات استفاده کنند.

مضرات برای پوست

پوست به‌عنوان بزرگ‌ترین اندام بدن، بسیار حساس است و لوازم آرایش می‌توانند تأثیرات منفی متعددی روی آن داشته باشند: واکنش‌های آلرژیک و تحریک پوستی: بسیاری از لوازم آرایش حاوی موادی مثل پارابن‌ها، سولفات‌ها، عطرهای مصنوعی و رنگ‌های شیمیایی هستند. این مواد می‌توانند باعث درماتیت تماسی (تحریک پوستی)، قرمزی، خارش یا حتی اگزما شوند. افرادی با پوست حساس بیشتر در معرض خطر هستند. آکنه و جوش: محصولات سنگین مانند کرم پودر، کانسیلر یا فونداسیون‌های چرب می‌توانند منافذ پوست را مسدود کنند و منجر به آکنه کومدونیک (جوش‌های سرسیاه و سرسفید) شوند. این مشکل به‌ویژه در افرادی که پوست چرب دارند یا آرایش را برای مدت طولانی پاک نمی‌کنند، شایع است. پیری زودرس پوست: برخی محصولات آرایشی، به‌خصوص آن‌هایی که حاوی الکل یا مواد خشک‌کننده هستند (مثل ریمل‌های ضدآب یا رژلب‌های مات)، می‌توانند رطوبت طبیعی پوست را از بین ببرند. این امر باعث کاهش خاصیت ارتجاعی پوست و ایجاد چین‌وچروک زودهنگام می‌شود. تغییر فلور طبیعی پوست: استفاده مداوم از محصولات آرایشی می‌تواند تعادل میکروبیوم پوست (باکتری‌های مفید روی پوست) را به هم بزند، که منجر به مشکلات پوستی مانند التهاب مزمن می‌شود. حساسیت به نور: برخی مواد شیمیایی در لوازم آرایش، مانند رتینول یا اسیدهای خاص، می‌توانند پوست را به نور خورشید حساس‌تر کنند و در صورت عدم استفاده از ضدآفتاب، خطر سوختگی یا لک‌های پوستی را افزایش دهند.

هشدار جدی استاندار گلستان:

شالی کاری متوقف نشود، بیابان در انتظار ماست

استاندار گلستان به بحران منابع آبی و خطر بیابانی شدن این استان اشاره کرد و خطاب به مدیران استانی گفت: اگر نمی‌خواهیم گلستان به بیابان تبدیل شود، باید شجاعت تصمیم‌گیری برای ممنوعیت شالی کاری را داشته باشیم. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی در نشست با نمایندگان احزاب، تشکل‌های سیاسی و با حضور آ‌هی، مشاور رئیس‌جمهور، با انتقاد از ۲۵ سال کم‌توجهی به این معضل، هشدار داد: ادامه روند کنونی، تبعات زیست‌محیطی جبران‌ناپذیری برای استان به دنبال خواهد داشت. وی از مدیران خواست تا با تصمیمات شجاعانه، از تخریب بیشتر منابع طبیعی

کوتاه بود. طهماسبی با اشاره به پیشرفت پروژه پتروشیمی که از سال ۸۴ با تکتلیف مانده بود، تأکید کرد که با وجود محدودیت‌های مالی، کارهای بزرگی در استان در حال انجام است. وی با قدردانی از نقش احزاب و تشکل‌های سیاسی در ایجاد شور و نشاط اجتماعی، آن‌ها را موتور محرکه مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دانست. طهماسبی با اشاره به برگزاری بیش از ۷۰ نشست با احزاب و تشکل‌ها در دوره مسئولیت خود، از آن‌ها خواست تا با هم‌افزایی، به حفظ وحدت و یکپارچگی ایران کمک کنند. استاندار گلستان از انتصاب ۲۲۰ مدیر اهل سنت در ادارات و شهرستان‌های استان خبر داد و گفت: این نشان‌دهنده توانمندی و مشارکت اقوام مختلف، به‌ویژه ترکمن‌ها، در اداره استان است. طهماسبی همچنین وعده داد که در ادامه فعالیت دولت چهاردهم بیشتر از ظرفیت‌های اقوام برای انتصاب مدیران شایسته‌تر استفاده خواهد شد. وی با اشاره به تعهد دولت به مردم، تأکید کرد که مشکلات مردم باید حل شود، حتی اگر منابع مالی محدود باشد. استاندار گلستان گفت: آب، برق، گاز و راه برای روستاهای محروم تأمین خواهد شد و مردم نباید منتظر بمانند تا جوانانشان پیر شوند و پیرانشان از دنیا بروند بدون اینکه تغییری ببینند.

جلوگیری کنند و افزود: حفظ محیط‌زیست گلستان، اولویت اصلی دولت در این منطقه است. طهماسبی با بیان اینکه تنها هشت درصد از بودجه ۱۴۰۴ محقق شده، تأکید کرد که با وجود این محدودیت‌ها، دولت با تمام توان برای توسعه گلستان تلاش می‌کند. وی به دیدار اخیر خود با وزیر اقتصاد اشاره کرد و گفت: تخصیص بودجه‌های کلان، مانند ۱۰ همت برای یک پروژه، می‌تواند تورم را به جامعه تحمیل کند، اما دولت با برنامه‌ریزی دقیق، به دنبال پیشبرد پروژه‌های زیرساختی است. طهماسبی از دستاوردهای دولت در گلستان سخن گفت و به فعال‌سازی گمرک منطقه آزاد اینچه‌برون اشاره کرد و گفت: این کار، برای اولین بار، استان را به مقصد ماشین‌های خارجی تبدیل کرده است. وی همچنین از رفع موانع پروژه کابین شهرستان علی‌آباد و مذاکره با سرمایه‌گذاران برای توسعه این منطقه خبر داد. پروژه سد نرماب که بیش از ۲۰ سال متوقف بود، از دیگر موارد اشاره شده استاندار گلستان در این جلسه بود. طهماسبی گفت: با تخصیص ۳۰ درصد بودجه باقی‌مانده، این پروژه در حال تکمیل است تا مشکلات روستاییان منطقه مرتفع شود. واگذاری ۴۰۰ هکتار زمین از منابع ملی به بنیاد مسکن برای اسکان مردم و آماده‌سازی زیرساخت‌ها، از دیگر اقدامات دولت در این مدت